



مسئولیت مدنی دولت در فضای سایبر با نگاهی به آموزه‌های اخلاق سایبری

- دکتر حسین صادقی^۱، دکتر اسماعیل عباسی^۲، علیرضا قاسمی^{۳*}
۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۳. گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۴)

چکیده

زمینه: با توجه به اقتضای فضای سایبر و پیوستگی آن، از هر کشوری توقع می‌رود که با ایمن‌سازی و نظارت قانونی و مستمر بر شبکه اینترنت و دنیای مجازی امکان وقوع افعال زیان بار را به حداقل برساند. که البته قسمتی از این هدف از طریق وضع قوانین ملی مناسب و بخشی دیگر به وسیله آموزش مناسب شهروندان و تنظیم کدهای اخلاقی در جهت استفاده بهتر و مناسب‌تر از فضای سایبر امکان پذیر خواهد بود. امروزه بسیاری از خدمات اجتماعی و رفاهی در اکثر کشورها توسط دولت، به صورت الکترونیکی و آنلاین و در فضای سایبری صورت می‌پذیرد، از این رو دولت باید در راستای اخلاق سایبری و در چارچوب قانون به ارائه خدمات الکترونیکی بپردازد زیرا ضرورت رعایت اخلاق در فضای سایبر و فرآیند ارتباطات به لحاظ ظرفیت بالای آنها، نسبت به دیگر حوزه‌ها، اهمیت بیشتری دارد. از این رو پژوهش حاضر به بررسی مسئولیت مدنی دولت در فضای سایبر با نگاهی به آموزه‌های اخلاق سایبری پرداخته است.

نتیجه گیری: فضای سایبر، واسط و حلقه ارتباطی میان مردم و دولت هستند و اگر دولت در این راستا موجب ضرر به کاربران شود؛ نسبت به جبران خسارات مسئول است، از این رو مسئولیت مدنی دولت در قبال خسارات وارده در فضای سایبر از دو جهت قابل بررسی است. الف) دولت، خود به عنوان زیان زنده اصلی تلقی می‌شود. ب) دولت مسئول زیان‌هایی تلقی شود که به واسطه عدم توجه به اخلاق سایبری توسط سایر اشخاص وارد شده است.

کلیدواژگان: مسئولیت مدنی، فضای سایبر، دولت، اخلاق سایبری

سر آغاز

در فضای سایبر، برخلاف بسترهای ارتباطی قدیمی که در آن‌ها یک رابطه یک سویه برقرار بوده، با توجه به ویژگی‌های خاص این فضا؛ از جمله سهولت تولید و انتشار محتوا، گمنامی و نیز فرامرزی بودن آن، مخاطب به طور فعال در فرآیند ارتباط و تولید محتوا مشارکت داشته و به عبارتی در این فضا، محتوا به صورت خود تولید، توزیع به صورت خودگردان و فرآیند انتخاب کردن و دریافت نیز به صورت خودگزین است (۲). در این میان محتوایی که در فضای سایبر در دسترس همگان قرار می‌گیرد، می‌تواند شامل انواع محتوا، اعم از مفید و مضر باشد (۳). مسلماً در حال حاضر دیگر نمی‌توان به جامعه‌ای بدون فناوری اطلاعات^۳ و ارتباطات و امکانات آن اندیشید. لذا برای این که آسیب‌های ناشی از ارائه و انتشار محتوای ناسالم و مضر در فضای سایبر به حداقل برسد باید چاره جویی اساسی صورت گیرد.

«فضای سایبر^۱» مفهومی متفاوت از «فضای مجازی^۲» است. گرچه در ادبیات سیاست‌گذاری، بعضاً این دو واژه، یکی انگاشته شده و فضای مجازی در معنا و به جای فضای سایبر بکار رفته است؛ ولی فضای سایبر با وجود اشتراک زیادی با فضای مجازی، دقیقاً معادل آن نیست. چرا که فضای سایبر، فضای مجازی و غیر واقعی نیست، بلکه محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع، فراتر از مرزهای جغرافیایی و توسط رایانه‌های متصل به هم به صورت شبکه‌ای، نظیر شبکه اینترنت، در آن روی می‌دهد (۱). با وجود اینکه واژه فضای سایبر، از لحاظ مفهوم و حوزه تحت شمول، جامعیت لازم را دارد و در میان صاحب نظران رسمیت یافته است؛ اما قانونگذاران اکثر کشورها از واژگان دیگری مانند فضای مجازی جهت مقررات گذاری این فضا استفاده نموده‌اند.

لذا در چنین شرایطی حفظ نظم و امنیت چنین گستره‌ای، نیازمند پیش‌بینی سیاست افتراقی جهت ساماندهی این فضا است. اما آن چه در این مرحله حائز اهمیت است، بررسی این موضوع است که با توجه به طبیعت فضای سایبر و محدودیت‌های فنی و حقوقی که جهت ساماندهی این فضا وجود دارد، چه ساز و کارهایی می‌توان برای سالم سازی فضای سایبر از محتوای ناسالم و نیز سالم سازی کاربری این فضا بکار برد و این ساز و کارها از سوی چه کسانی باید اعمال شوند تا هم این گونه دخالت‌ها مشروعیت داشته و اخلاقی باشد و هم سودمندی بیشتر با صرف هزینه کمتری حاصل آید.

در جریان این ارتباطات سایبری ممکن است افعال غیر اخلاقی و زیان بار نظیر نقض حقوق مالکیت فکری و هتک حرمت اشخاص توسط کاربران خدمات مزبور و به واسطه فعالیت و خدمات این گونه واسطه‌ها صورت گیرد که موجب طرح ادعاهایی از طرف زیان دیدگان علیه واسطه‌های مزبور گردد (۴). به عبارت دیگر در راستای ارایه خدمات الکترونیکی دولت در فضای سایبر، ممکن است در نتیجه تقصیر یا خطای دولت و مستخدمین دولتی، زبانی به اشخاص وارد آید که در صورت ایراد خسارت، موضوع مسئولیت مدنی دولت در فضای سایبر، تحقق می‌یابد. مسئولیت مدنی دولت در فضای سایبر از این جهت اهمیت دارد که، ماهیت فضای سایبر با دنیای واقعی متفاوت است و مختصات و اقتضات خاص خود را دارد. عمده مختصات و اقتضات فضای سایبر که آن را از فضای واقعی متمایز می‌سازد عبارتند از: مجازی و الکترونیکی بودن فضا، هویت پنهان یا دروغین کاربران حاضر در فضای سایبر، وسعت فزاینده ضرر ناشی از فعل زاینبار و عدم امکان جبران واقعی خسارت، بقای پدیده زاینبار، و سهولت دسترسی سریع و دائمی به اطلاعات است (۵).

نکته مهم این است که محیط سایبر فرصتی جهت تعاملی میان شهروندان و دولت‌هاست و به ویژه دولت‌های دموکراتیک در تلاش هستند با کمک این رسانه‌ها بتوانند طرح دولت باز را عملیاتی کنند (۶). طرحی که از طریق شبکه‌های اجتماعی^۵ موجبات دسترسی بیشتر افراد به اطلاعات دولت‌ها و مشارکت در امور کشور را فراهم می‌آورد (۷). در نظام حقوقی ایران نیز قوانین آزادی اطلاعات، امکان دسترسی بدون تبعیض به اطلاعات را برای همه اشخاص جامعه فراهم می‌سازند و یکی از تدابیر مهم مبارزه با رانت اطلاعاتی هستند. بر همین اساس، ماده ۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ نیز تصریح کرده است که مؤسسات عمومی مکلف اند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند. با عنایت به اقتضات فضای سایبر و پیوستگی آن، از هر کشوری توقع می‌رود که با ایمن سازی و نظارت قانونی و مستمر بر شبکه اینترنت و دنیای مجازی امکان تحقق وقوع افعال زیان بار را به حداقل برساند. که البته قسمتی از این هدف از طریق وضع قوانین ملی مناسب و بخشی دیگر به وسیله آموزش مناسب شهروندان در جهت استفاده بهتر و مناسب‌تر از فضای سایبر امکان پذیر خواهد بود. تصویب قانون جرایم رایانه‌ای یا تأسیس شورای عالی مجازی در کشور ایران را می‌توان

اقداماتی در راستای اعمال این وظیفه قلمداد کرد. «قانون جرایم رایانه‌ای» در ۵۶ ماده و در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در روزنامه رسمی ۱۳۸۸/۴/۱۷ منتشر شد و شماره مواد ۱ تا ۵۴ این قانون به عنوان مواد ۷۲۹ تا ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات با عنوان فصل جرایم رایانه‌ای منظور و شماره ماده ۷۲۹ بخش تعزیرات به شماره ۷۸۳ اصلاح گردید.

با این اوصاف نگارندگان در این مقاله به واکاوی چهره‌ی جدیدی از مسئولیت مدنی دولت که در جهت حمایت از مردم ظهور و بروز پیدا کرده به نام «مسئولیت مدنی دولت در فضای سایبری» خواهند پرداخت؛ زیرا امروزه بسیاری از خدمات اجتماعی و رفاهی در اکثر کشورها توسط دولت، به صورت الکترونیکی و آنلاین و در فضای سایبری صورت می‌پذیرد. توجه شود که مسئولیت مدنی عنوانی است که برای بیان تعهد شخص به جبران خسارت ناروایی که به دیگری وارد شده است، به کار می‌رود؛ به عبارت بهتر «در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد». زندگی اجتماعی از زمانی که فعالیت‌های مختلف اشخاص و اشیاء در آن جریان یابد، با تعهد به جبران زیان و مسئولیت مدنی مقارن شده است؛ اصل لزوم جبران خسارت که به عنوان یکی از سه اصل اجتماعی معرفی شده است (۸) و قواعد آن رفته رفته، سایر قواعد را در بر می‌گیرد، مهم‌ترین مظهر خود را در مفهوم «مسئولیت مدنی» به معنای خاص می‌بیند.

اخلاق سایبری

اخلاق سایبری^۶، از مباحثی است که در اخلاق کاربردی مطرح می‌شود. اخلاق کاربردی^۷ از زیرشاخه‌ها یا پیوسته‌های فلسفه اخلاق است که به مباحثی می‌پردازد که به ارزش‌های عملی رفتار انسان‌ها در حوزه‌هایی خاص مربوط می‌شود (۹). این رشته می‌کوشد به پرسش‌هایی پاسخ گوید که مرتبط با بنیان‌های ارزشی رفتارها و مسئولیت‌های افراد در حوزه فناوری اطلاعات است. به عبارتی، اخلاق سایبری شامل ماهیت و بن مایه‌های قضاوت اخلاقی^۸، استانداردهای قواعد رفتاری در استفاده از فناوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری است (۱۰).

اخلاق به عنوان «تفحص در ماهیت و بن مایه اصول اخلاقی تعریف شده است»؛ در حوزه فضای سایبری، اخلاق سایبری شامل ماهیت و بن مایه‌های قضاوت اخلاقی، استانداردها، و قواعد رفتاری در استفاده از سایبر و فناوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری است. کاربران فضای مجازی در عصر فناوری اطلاعات با چالش‌های اخلاقی بیشتری مواجه‌اند زیرا در دنیای فناوری اطلاعات، استفاده از فناوری اطلاعات برای چیزی که غیرقانونی نیست، بر اخلاقی بودن آن دلالت نمی‌کند. در واقع، در چنین دنیای فناورانه‌ای، قانونی بودن استفاده از تسهیلات و ابزارها و امکانات فناورانه، به طور حتم، اخلاقی بودن آن را تضمین نمی‌کند (۱۱). در عصر فناوری اطلاعات، همه کاربران این فناوری از جمله سازندگان، توزیع‌کنندگان، مالکان، و مدیران باید از نظر اخلاقی، مسئول محصولات و خدماتی که مالک هستند، می‌فروشند، مدیریت می‌کنند و به کار می-



ممکن است دولت در اجرای غلط یا به بهانه اجرای وظایف دولتی و حاکمیتی خود در فضای سایبری منجر به ورود زیان به شهروندان گردد، ارتکاب این اقدام زیان بار از سوی هر یک از نهادهای حکومتی و دولتی به مفهوم اعم خود قابل انجام است. مثلاً شرکت مخابرات به عنوان ارائه دهنده کلی و دولتی خدمات دسترسی اینترنت، به حریم خصوصی کاربران در فضای سایبری دست اندازی کند و اطلاعات و اقدامات ایشان را در این فضا رصد نماید، یا اینکه دولت در اجرای طرحی که در آن از طریق فضای سایبر اقدام به اخذ اطلاعات شخصی خانوارها نموده است، اطلاعات برخی از اشخاص را منتشر نماید یا در اختیار اشخاص دیگری قرار دهد. این عمل ممکن است با همکاری و توسط رساها و شرکت های ارائه دهنده خدمات اینترنتی صورت گیرد. قضیه عملی آن همکاری یک شرکت اینترنتی با پلیس انگلستان در نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تحقق یافته است (۱۸). اگر چه در این مورد دولت در اجرای وظایف حاکمیتی موجب تحقق زیان شده است اما نباید وی را مشمول معافیت قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی دانست. معافیت از مسئولیت مدنی دولت ناشی از اعمال حاکمیتی را باید محدود به فرضی دانست که دولت در اجرای صحیح وظایف حاکمیتی خود منجر به زیان شهروندان گردد. مثلاً برای دفع حملات سایبری صورت گرفته به تأسیسات کشور مجبور به قطع ناگهانی اینترنت گردد و در نتیجه این امر به شهروندان خسارت وارد گردد.

اما اگر در اجرای غلط یا به بهانه اجرای وظایف حاکمیتی خسارتی به بار آید، که اقدام دولت در این فرض خلاف اخلاق سایبری تلقی می‌شود؛ در این حالت شکی در تحقق مسئولیت مدنی دولت نخواهد بود. و دولت به عنوان زیان زنده مسئول خسارت تلقی می‌شود. اما نکته‌ای را که نباید از ذهن دور داشت این است که آیا در این مورد نیز مسئولیت دولت مبتنی بر تقصیر و مشمول قسمت اول ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی است؟

به نظر می‌رسد که در این مورد نباید مسئولیت دولت را مبتنی بر تقصیر تلقی کرد و زیان دیده تکلیفی به اثبات وجود تقصیر دولت ندارد. چون اولاً اثبات تقصیر دولت در حالی که مشغول انجام وظیفه حاکمیتی خود است غیر ممکن یا اصولاً بسیار دشوار است. ثانیاً دولت در انجام وظایف حاکمیتی در موضعی قرار ندارد که بتوان در خصوص افعال او تقصیر یا عدم تقصیر را لحاظ کرد. بلکه بیشتر از دو حالت بیشتر در مورد او متصور نیست یا اینکه به طور مطلق مسئول زیان و خسارات تلقی می‌شود یا اینکه به استناد قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به طور مطلق از مسئولیت مبری است. موارد گفته شده را نمی‌توان جزو مصادیقی از اعمال حاکمیتی تلقی نمود که موجب مسئولیت دولت نشود چون انجام صحیح این وظیفه با عدم ورود زیان به شهروندان منافات ندارد. بنابراین در این مورد مسئولیت مدنی دولت محرز است و صرف اثبات انتساب زیان به فعل دولت برای تحقق مسئولیت او کافی خواهد بود.

برند، باشند. از سوی دیگر، ضرورتی که جامعه جهانی و حتی برنامه ریزان این فناوری را در سطح جهانی به این نقطه هدایت کرده است که باید اصول اخلاقی بر توسعه فناوری اطلاعات حاکم شود، این است که در کنار فرصت‌های فراوانی که توسعه اطلاعات و ارتباطات برای جامعه جهانی فراهم آورده و سطح بهره‌وری و بهینه‌سازی را در حوزه فرهنگ و اقتصاد و سیاست تغییر داده است، تهدیدها و چالش‌های جدی را هم در مقابل ملت‌ها و حتی جامعه جهانی قرار داده است، یعنی مشکلات اخلاقی جدید و منحصر به فردی در این حوزه ایجاد شده که نیازمند رسیدگی است (۱۲).

هدف از اخلاق سایبری این است که به سؤالاتی پاسخ دهد که مربوط به بنیان‌های ارزشی افعال و مسئولیت‌های افراد در حوزه ارتباطات است (۱۳). علاوه بر آن می‌توان از سیاست‌های دولتی و زیربناهای ارزشی قوانین و مقررات حاکم بر نهادهای دولتی در قبال زیربناهای اخلاقی حوزه سایبر و ارتباطات بحث کرد. محیط سایبر ضمن فراهم‌سازی امکانات پیشرفت زاء آسیب‌هایی نیز همراه دارد؛ آسیب‌هایی که با ماهیت سایبر قرین است. خصوصیات فضای سایبر، نظیر ارتباطی بودن، امکان پنهان نگهداشتن هویت، حاکمیت چندگانگی و تضاد هنجاری و نبود راهکار نظارتی کارآمد، مستعد رفتارهای غیراخلاقی^۹ در کاربران است (۱۴). ضعف اخلاق در رفتارهای افراد چه در محیط واقعی و چه در محیط سایبر، معلول ضعف و سستی استدلال اخلاقی^{۱۰}، هجمه‌گرایش‌ها و سلیق‌های فردی و نبود ضمانت اجرای مؤثر است. از این رو اصول و الزامات اخلاق سایبری در حوزه مسئولیت مدنی دولت مورد تأکید است. با توضیح این نکته که، اخلاق سایبری دارای اصولی است که مهم‌ترین اصل آن، اصل احترام به حریم خصوصی اشخاص در فضای مجازی است (۱۵).

مسئولیت مدنی دولت ناشی از اعمال خود در فضای سایبر

اعمال مستقیم دولت در فضای سایبری در دو قالب اعمال حاکمیتی و تصدی قابل تقسیم هستند:

الف) مسئولیت مدنی دولت ناشی از اعمال حاکمیتی در فضای سایبر

«منظور از عمل حاکمیت عملی است که به وسیله آن ارگان‌های دولتی متوسل به شیوه‌های دستور، منع و قاعده‌گذاری یک‌جانبه می‌شوند و به طور خلاصه یک اراده آمرانه را آشکار می‌سازند» (۱۶). کارهایی که نشان از اقتدار و مرجعیت سیاسی دولت دارند و دولت به موجب آن قانون‌گذاری می‌کند، فرمانروایی خود را به رخ می‌کشد، متهمان را مورد تعقیب و مجازات قرار می‌دهد، سیاست‌گذاری خارجی می‌کند و برای برقراری رابطه با دیگر دولت‌ها یا قطع آن و یا جنگ با آنها تصمیم می‌گیرد و وارد عمل می‌شود (۱۷) و کارهایی از این دست. امور حاکمیتی در ماده ۸ قانون خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ به طور تمثیلی شمارش شده است.

ب) مسئولیت مدنی دولت به عنوان ارایه کننده خدمات اینترنتی ناشی از اعمال تصدی گری

تصدی گری دولت به آن کارهایی گفته میشود که دولت خود را تا حد اشخاص حقوقی تابع حقوق خصوصی تنزل می دهد و هم سان آن‌ها در کارهایی که جنبه خصوصی دارند، دخالت می کند و همانند آنها صاحب حق و تکلیف می شود؛ از قبیل تجارت، خرید، فروش، اجاره، حمل و نقل و ... بر اساس ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، شاید بتوان چنین معیاری را به دست داد که اگر کارها، قابل واگذاری به اشخاص حقوقی خصوصی باشد، در زمره کارهای تصدی گرانه است و اگر چنین نباشد، باید آن‌ها را عمل حاکمیتی به شمار آورد. ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری امور تصدی را بر شمرده است. امور تصدی‌های اجتماعی، فرهنگی و خدماتی با رعایت اصول بیست و نهم (۲۹) و سی ام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از طریق توسعه بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی تعیین صلاحیت شده و با نظارت و حمایت دولت و با استفاده از شیوه‌های ذیل انجام می‌گردد: ۱- اعمال حمایت‌های لازم از بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مجری این وظایف. ۲- خرید خدمات از بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی. ۳- مشارکت با بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی از طریق اجاره، واگذاری امکانات و تجهیزات و منابع فیزیکی. ۴- واگذاری مدیریت واحدهای دولتی به بخش تعاونی و خصوصی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی با پرداخت تمام و یا بخشی از هزینه سرانه خدمات. ۵- ایجاد و اداره واحدهای دولتی موضوع این ماده توسط دستگاه‌های اجرائی.

دولت مانند هر شخص حقیقی و حقوقی دیگری در اینترنت ممکن است اقدام به انتشار یا ارائه مطالب و محتوایی کند که هیچ ارتباطی با وظایف حاکمیتی او ندارد، در این صورت اگر از رهگذر این قسم از اعمال تصدی گرایانه زبانی به اشخاص ثالث وارد آید مسئولیت دولت چگونه است؟

مثلاً بانک ملی در ارائه خدمات بانکی اینترنتی به مشتریان خود، اصول ایمنی را رعایت نکرده و منجر به فاش شدن و در نتیجه زیان مالی به مشتریان گردد. در این خصوص به نظر می‌رسد باید قائل به مسئولیت محض دولت بود. در این خصوص دولت مباشر یا مسبب زیان تلقی می‌شود و مسئولیت مباشر در حقوق ما با عنایت به ماده ۳۲۸ قانون مدنی مسئولیت مبتنی بر نظریه خطر تلقی می‌شود. اگرچه در تسبیب برخی از حقوقدانان قائل به مسئولیت مبتنی بر تقصیر هستند (۸).

ج) مسئولیت مدنی دولت ناشی از اعمال سایبرین

در تقسیم بندی کلی، اشخاص در اجتماع، یا در زمره اشخاص حقوق عمومی اند یا حقوق خصوصی اشخاص دسته اول کارگزاران رسمی یا غیررسمی دولت‌اند و اشخاص دسته دوم اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی هستند.

مسئولیت دولت ناشی از اعمال کارگزاران خود در فضای

سایبر : شکل دیگر طرح مسئولیت مدنی دولت در قبال شهروندان خود در ارتباط با زیان های رخ داده در فضای سایبری، موردی است که دولت مستقیماً فعل زیان بار را مرتکب نشده است و اجازه و دستوری هم از جانب دولت بر خلاف مورد قبل، مبنی بر انجام فعل زیان بار یا فعلی که در نتیجه اجرای غلط آن زیان حاصل شده است، وجود ندارد. بلکه یکی از کارگزاران دولتی «به مفهوم اعم» در مقام و موضع اعمال وظیفه با سوء استفاده از حوزه اختیارات اقدام به انجام عملی می‌کند که نتیجه آن ورود زیان به شهروندان خواهد بود.

مثلاً کارمندی در اداره مخابرات بدون اجازه و علت سازمانی، اقدام به فروش اطلاعات شهروندان به سازمان های خصوصی اطلاعاتی نماید. در این حالت سخنی در خصوص مسئولیت مدنی کارگزاری که به عنوان مباشر و عامل مستقیم عمل تلقی می‌شود نیست و طبق قواعد کلی مسئولیت مدنی عمل او را می‌توان یکی از مصادیق هک، انتشار ویروس، سرقت اینترنتی و ... قرار داد و ملزم به جبران خسارت دانست. موضوع بحث این است که آیا در این مورد می‌توان دولت را هم به علت ارتکاب فعل کارگزار خود مسئول تلقی کرد؟ تفاوت این فرض با فروش قبل این است که در فرض قبلی دولت مباشر یا مسبب آگاهانه ورود زیان است اما در این حالت زیان به مباشرت یا دستور دولت نیست بلکه حاصل سوء استفاده کارگزار است.

مسلم این که در موردی که علت تامه یا تکمیلی ورود خسارت توسط کارمند، تقصیر اداری باشد باید حکم به مسئولیت مدنی دولت در قبال زیان حاصله نمود (۱۹). منظور از علت تکمیلی ورود خسارت این است که نباید چنین پنداشت که دولت تنها در صورتی موظف به جبران خسارت اشخاص است که نقض وسایل اداری علت منحصر ورود زیان باشد و عبارت ذکر شده در ماده ۱۱ در خصوص معافیت دولت، به معنای معاف بودن دولت از نتایج تقصیرهای اداری خود نیست هر چند که تقصیر اداری علت تامه ورود خسارت نباشد. از طرف دیگر عدالت اجتماعی و توزیعی ایجاب می‌کند که در غالب موارد دولت با ید مبسوطی که در انجام وظایف محوله خود مباشرتاً یا تسبیحاً به عهده دارد، نباید از مسئولیت مدنی ناشی از آن معاف باشد. این رویکرد با تصویب ماده ۲۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قانون اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، حداقل در خصوص یک مورد ویژه و خاص یعنی «واگذاری سهام شرکت‌های دولتی» عینیت یافته است.

ماده ۲۴ قانون مرقوم داشته که «دولت مکلف است، مسئولیت مدنی، محکومیت جزایی مالی و قابل خرید، محکومیت به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و هر محکومیت قابل خرید دیگر مسئولان و مجریان امر واگذاری (منظور واگذاری سهام شرکت‌های دولتی) را در قبال خطاهای غیر عمدی آنان به مناسبت واگذاری، چه به عنوان مسئولیت جمعی و چه به عنوان مسئولیت انفرادی به هزینه خود به گونه‌ای بیمه کند که بیمه گر کلیه هزینه‌ها و مخارجی را که هریک از مسئولان و مجریان امر واگذاری، تحت هریک از عناوین موصوف ملزم به پرداخت آن می-



معادل فارسی برای عبارت انگلیسی ISP است. طبق آئین نامه مذکور، رساها اقدام به ارائه مجموع خدمات ارزش افزوده بر خط و برون خط به کاربران خود می‌کنند و می‌توانند هر نوع خدمات و امکانات اطلاعاتی و ارتباطی را در حدود قوانین و مقررات ارائه نمایند (۲۲).

به عبارت دیگر رساها به موسساتی اطلاق می‌شوند که امکان دستیابی و ارتباط کاربران به اینترنت را به اشکال مختلف از طریق مودم یا خطوط ویژه فراهم می‌کنند. رساها در انواع و اشکال گوناگون از قبیل شرکت، دانشگاه، دستگاه دولتی و مانند آن فعالیت می‌کنند. اگر چه غالب رساها، شرکت‌ها و موسسات حقوقی خصوصی هستند اما امکان فعالیت ایشان تنها با اجازه و مجوز دولت ممکن است (۲۳).

سوال این است که مسئولیت دولت در قبال خسارات ناشی از فعالیت این رساها چگونه خواهد بود. مثلاً هر گاه رسا در ارائه خدمت دسترسی به اینترنت حریم خصوصی کاربری را نقض کند یا بدون مجوز اقدام به کپی رایت نماید، آیا دولت به عنوان تنها مرجع منحصر ارائه مجوز به رساها، در این باره مسئول خواهد بود؟

اگر چه در حقوق کشور با عنایت به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در خصوص مسئولیت مدنی دولت حتی نسبت به کارمندان خود بسیار تنگ نظرانه عمل شده است، اما حقیقت این است که در دنیای امروز این نوع نگاه برتافته نمی‌شود و باید حقوقدانان و به صورت ملموس‌تر رویه قضایی در پی جبران این ضعف از طریق ارائه تفاسیر موسع و نهایتاً گسترده کردن مسئولیت مدنی دولت باشند. به عبارت دیگر حمایت از حقوق شهروندان اقتضا می‌کند که آسان‌ترین طریق برای جبران خسارت او برگزیده شود. اعتقاد و التزام به مسئولیت مستقیم دولت بهترین راه حل برای حصول این نتیجه است (۲۴).

ممکن است گفته شود که دولت در قبال اعمال رساها مطلقاً مسئول است چون رساها از یک طرف با مجوز دولت اقدام به فعالیت می‌کنند و از طرف دیگر دولت بر اعمال رساها کنترل و نظارت دارد. اما این نظر خالی از اشکال نیست. ارائه مجوز دولت به یک شخص حقیقی یا حقوقی خصوصی الزاماً به معنی مسئولیت مدنی دولت در قبال اعمال او نیست. در این خصوص می‌توان موضوع را قیاس به مجوز انتشار مجلات و روزنامه‌ها به اشخاص توسط دولت کرد. هیچ عقل سلیم حقوقی ادعا ندارد که دولت به صرف اینکه ارائه دهنده مجوز انتشار مجله و روزنامه است پس در قبال محتوای منتشر شده و زیان وارده به ثالث در این باره مسئولیت دارد.

دولت به عنوان نماینده جامعه و متولی انتظام امور، مسئولیت ارائه مجوز به اشخاص مختلف جهت انجام خدمات مختلف را بر عهده دارد، طبیعی است که اصل اولیه، عدم مسئولیت دولت در قبال زیان وارده توسط دارندگان مجوز به ثالث به صرف ارائه مجوز باشد. از طرف دیگر نوع کنترل و نظارتی که دولت بر عملکرد رساها دارد کنترل محتوایی و ماهیتی نیست بلکه کنترل شکلی و فنی است و تنها ناظر بر سازوکار ارائه مجوز و فعالیت ایشان است. بدیهی است که این کنترل محدود و شکلی نمی‌تواند توجیه‌گر مسئولیت مدنی نهایی دولت باشد.

شوند، بپردازد». لذا همان گونه که ملاحظه می‌شود با تصویب این قانون دولت خواسته به تدریج دایره مسئولیت و پاسخ گویی خود را حتی در خصوص اعمال کارکنان خود گسترده نماید.

با این حال به نواقص عمده‌ای که در ماده ۱۱ ق.م.م وجود داشته که موجب گردیده لایحه‌ای تهیه شود. این لایحه با نظریه‌های جدید در مسئولیت مدنی دولت تا حدودی هماهنگ است. ماده ۱ این لایحه که در نوع خود تحولی عظیم به شمار می‌رود، بدون تفکیک بین اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی، مسئولیت دولت ناشی از عمل غیر را مطرح نموده و مقرر می‌دارد: «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، نیروهای مسلح و قوه قضائیه، کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و در این قانون مؤسسات عمومی خوانده می‌شوند، مسئول جبران خسارات مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آن‌ها در نتیجه بی-احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت غیر عمدی قوانین، مقررات یا نظامات مربوط در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی وارد می‌آورند».

بنابراین اصل عدم مسئولیت دولت ناشی از عمل غیر که در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی فعلی موجود است؛ در این لایحه مدبل به اصل مسئولیت شده است. در این لایحه مؤسسات عمومی اعم از مؤسسات دولتی یا غیر دولتی بوده و شامل شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته و شرکت‌های دولتی نیز می‌باشد (۲۰).

نکته دیگری را که باید مورد توجه ذرات زبان‌هایی است که در نتیجه انجام صحیح اقدامات حاکمیتی دولت در فضای سایبر به اشخاص وارد می‌شود که در این مورد هم با عنایت به قسمت اخیر ماده ۱۱ باید حکم به عدم مسئولیت مدنی دولت در قبال آن نمود. مانند اینکه دولت مجبور شود برای دفع حملات مجازی صورت گرفته به فضای مجازی کشور، اقدام به قطع موقتی و ناگهانی خدمات دسترسی یا پالایش اطلاعات نماید و از این طریق خسارت به اشخاص ثالث وارد شود در این صورت دولت مسئول خسارات وارده نخواهد بود. البته نه از این جهت که مرتکب تقصیر نشده است بلکه به خاطر قاعده حکومت اعمال حاکمیتی بر اصل جبران خسارات وارده، دولت از جبران زیان معاف است.

در خصوص کنترل دولت و مسئولیت او نسبت به شرکت‌های ارائه کننده خدمات اینترنتی نیز برخی قائل اند که باید میان دو نقش شرکت‌های ارائه کننده خدمات به عنوان ناشر اطلاعات و توزیع کننده اطلاعات تفکیک قائل شد. وقتی ارائه کنندگان خدمات نقش توزیع گر اطلاعات را دارند مسئولیت غالباً متوجه ایشان و تبعاً دولت مسئول نخواهد بود اما وقتی به عنوان ناشر اطلاعات تلقی شوند به علت امکان بررسی اطلاعات، زیان به ایشان منتسب است و مسئولیت دولت را نیز حسب مورد در پی خواهد داشت (۲۱).

مسئولیت مدنی دولت ناشی از رساها: از لحاظ حقوق ایران، «رسا»^(۱) عنوانی است که در آئین نامه واحدهای ارائه کننده خدمات اطلاع رسانی و اینترنت، برای این واحدها انتخاب شده است. این واژه

امنیت ملی با حکم قاضی ذیربط حسب درخواست در اختیار وزارت اطلاعات قرار گیرد.

د. امکان جلوگیری از برقراری ارتباطات غیر متعارف، نظیر ارتباطات غیر متقارن و ارتباطات غیرمستقیم در موارد غیر مجاز.

علاوه بر آن بند ۵-۳-۵ از همین آیین نامه مقرر می‌دارد: هر رسا (ISP) موظف است اطلاعات کلی کاربران و IP های مربوط را ثبت و یک نسخه از آن نیز به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام نماید.

این مقرر مکن است تداعی کننده نوعی نظارت دولت بر عملکرد کاربران و کنترل بر ایشان و نهایتاً توجیه گر مسئولیت مدنی دولت باشد. در مقابل ممکن است گفته شود در این باره اصل بر عدم مسئولیت

مدنی دولت است. چون اولاً دولت هیچ نظارت و کنترلی بر عملکرد کاربران ندارد و اساساً نباید داشته باشد و هدف از مقرر یاد شده نظارت بر عملکرد رساها و اعمال وظایف ایشان نسبت به دولت است تا اینکه

برای دولت نسبت به تعداد پر شمار کاربران مسئولیت ایجاد کند. و ثانیاً ورود کاربران به فضای مجازی نیازمند اذن یا صدور مجوز دولت نیز نخواهد بود که گفته شود دولت در صورت مسامحه در صدور مجوز

مسئولیت داشته باشند. از طرف دیگر در حقوق مسئولیت مدنی اصل بر عدم مسئولیت دولت در قبال اعمال شهروندان عادی که کاربران نیز در شمار ایشان هستند، می باشد.

اما به نظر می‌رسد در این باره نیز مسئولیت مدنی دولت نیازمند تفصیل و تفکیک است. از یک طرف مسئولیت مطلق و تام دولت نسبت به کاربران با عنایت به نوع نظارت و کنترل حداقلی که بر ایشان دارد غیر

منصفانه به نظر می‌رسد از طرف دیگر عدم مسئولیت دولت نسبت به زیان‌های وارد شده توسط کاربران حاضر در فضای مجازی نیز با مقرر یاد شده فوق همخوانی ندارد. مسئولیت دولت در این مورد با عنایت به

منشا ورود زیان قابل تحلیل است. اگر زیان وارد شده در نتیجه تخلف کاربر از خلاء حاصله در نتیجه عدم اجرای وظایف دولت در بند ۶ مقرر یاد شده باشد. مثلاً به علت عدم اجرای سیستم پالایه مناسب توسط دولت

(به عنوان ایجاد کننده منحصر ارتباط اینترنتی در کشور) نسبت به محتویات غیر اخلاقی، یک کاربر با ایجاد سایتی در این خصوص اقدام به هتک حرمت و ورود زیان به ثالث نماید، در این خصوص چون دولت

در انجام وظیفه قانونی خود مبنی بر ایجاد پالایه و نظارت بر این امر کاستی کرده است، مسئولیت مدنی او نیز محقق است اما در سایر مواردی که تخلف کاربر حاصل از تقصیر دولت در اعمال وظایف

مصرحه فوق نیست، مثلاً کاربر اقدام به نقض کپی رایت کرده یا با انتشار مطلبی به ثالث توهین نماید، مسئولیتی متوجه دولت نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

تردیدی نیست که پیدایش و گسترش روز افزون ابزارهای جدید ارتباطات و اطلاعات از جمله رایانه‌ها، تلفن‌های همراه و در نهایت تولد فضای سایبری و به طور خاص اینترنت که امکان مبادلات از راه دور و در محیط‌های الکترونیکی را بیش از پیش در اشکال گوناگون فراهم کرده، به تبع اثر گذاری در مناسبات اقتصادی و اجتماعی،

بنابراین به نظر نگارندگان در یک مورد مسئولیت دولت در قبال اعمال زیان بار رساها نسبت به اشخاص ثالث مطرح است و آن در صورتی است که دولت در ارائه مجوز به رساها کوتاهی کرده باشد و خسارت

وارد به اشخاص ثالث نیز در نتیجه تقصیر حرفه‌ای رساها باشد نه تقصیر شخصی. منظور از تقصیر حرفه‌ای در این مورد یعنی خطایی که ناشی از کمبود دانش و مهارت رسا رخ داده است، امری که سنجش کم و کیف آن در مرحله صدور مجوز بر عهده دولت بوده است. اما اگر رسا

تقصیر عمدی یا شخصی مرتکب شد مانند اینکه حریم خصوصی دیگران را عمداً نقض کرد یا در جهت منافع خود نقض کپی رایت کرد نمی‌توان دولت را مسئول عملکرد ایشان در قبال زیان‌دیده ثالث دانست.

این تفسیر مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی خواهد بود. در خصوص عملکرد رساها در قبال شهروندان ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ در ارتباط با مسئولیت مدنی واسطه‌های

الکترونیکی که رساها هم از این جمله اند مقرر می‌دارد: «هر گاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم موسسات خصوصی و دولتی، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی،

خسارتی به اشخاص وارد شود، موسسات مزبور مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند مگر اینکه خسارت وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارت بر عهده این اشخاص خواهد

بود». ملاحظه می‌شود که مسئولیت رساها در قبال اشخاص ثالث مسئولیت مبتنی بر تقصیر است. وقتی مسئولیت مستقیم رساها نسبت به اشخاص ثالث، مبتنی بر تقصیر باشد، به طریق اولی نمی‌توان برای

دولت در قبال اعمال رساها مسئولیتی فراتر از مبنای تقصیر قائل بود (۲۵).

مسئولیت مدنی دولت ناشی از نقض نظارت و تصمیمات

ناظر بر فیلترینگ: سوال این است که هرگاه در نتیجه عملکرد کاربران فضای مجازی خسارتی به اشخاص ثالث وارد شود، آیا دولت در این باره مسئولیت مدنی دارد یا خیر؟ مثلاً اگر کاربری اقدام به انتشار

مطلبی در اینترنت کرد که منجر به خسارت ثالث گردید دولت نقشی در جبران خسارت دارد یا خیر؟

بند ۶ قسمت الف مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر می‌دارد: «کلیه ایجاد کنندگان نقطه تماس بین‌المللی (از جمله شرکت مخابرات ایران) موظف می‌باشند تا امکانات فنی لازم در حفاظت و کنترل متمرکز از شبکه‌های

مزبور، به شرح ذیل را فراهم آورند: الف. سیستم پالایش^{۱۲} مناسب به منظور ممانعت از دسترسی به پایگاه ممنوع اخلاقی و سیاسی و حذف ورودی‌های^{۱۳} غیر مطلوب.

ب. سیستم بارو^{۱۴} مناسب به منظور صیانت شبکه‌ها از تخریب، فریب و سرقت اطلاعات^{۱۵} (۲۶)

ج. دایر کننده نقطه تماس بین‌المللی اینترنتی موظف است بانک فعالیتهای اینترنتی کاربران خود را قابل دسترسی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات قرار دهد تا بر اساس ضوابط و مصوبات شورای عالی



واژه نامه

1. Cyberspace	فضای سایبر
2. Cyber space	فضای مجازی
3. Information technology	فناوری اطلاعات
4. Civil responsibility	مسئولیت مدنی
5. Social networks	شبکه های اجتماعی
6. Cyber ethics	اخلاق سایبری
7. Applied ethics	اخلاق کاربردی
8. Ethical judgment	قضاوت اخلاقی
9. Unethical behaviors	رفتارهای غیراخلاقی
10. Ethical reasons	استدلال اخلاقی
11. ISP	رسانا
12. Filtering	سیستم پالایش
13. Port	ورودی
14. Firewall	سیستم بارو
15. Information theft	سرقت اطلاعات

References

- Ghane MR. (2008). Four terms, four concepts or four terms of one concept. *Journal of Informology*; 1. (In Persian).
- Khazani MH. (2015). Power in a networked society; digging into the book the power of communication. *Social Science Quarterly Book Review*; 5-6. (In Persian).
- Jenkins H. (2004). The cultural logic of media convergence. *Interational Journal of Cultural Studies*; 7(1).
- Sadeghi h. (2010). Civil liability of intermediaries and providers of electronic communications services. *Journal of Private Law Studies*; 40(2). (In Persian).
- Malakuti R, Savaraee P. (2016). Civil liability in cyberspace. *Journal of Private Law Studies*; 4(15). (In Persian).
- Brus A. (2009). From prosumer to produser: understanding user-led content creation. London: Transforming Audiences conference.
- Clintova M. (2015). Open government policy in Canada: will social media change interaction between government and citizens? Milan. Italy: International Conference on Public Policy, Catholic University of Sacro Cuore.
- Katuzian N. (2007). Civil law: Out-of-contract requirements. 7th Ed. Tehran: University of Tehran. (In Persian).
- Chaparak A, Musavi A, Alasti K. (2019). What is ethics in science and technology? *Ethics in Science and Technology*; 14(3): 1-6. (In Persian).
- Porghahremani B. (2016). Iran's criminal policy against computer crimes: a comparative study of international documents. 1st ed. Tehran: Institute for Legal Studies and Research. (In Persian).
- Rahimi J, Esfandiari A. (2011). A cognitive approach to the ethical difficulties of the

برخی از قواعد حقوق سنتی را نیز با چالش روبرو کرده است؛ چرا که حقوق در مفهوم کلی قواعد تنظیم مناسبات اجتماعی است، اگر چه ماهیت ارتباطات در فضای سایبری نسبت به جهان واقعی بعلاقی اقتضائات متفاوت هر دو فضا، تغییر یافته است اما این تکنولوژی یارای تغییر کلی ماهیت روابط و وضعیت های حقوقی حاکم بر این ارتباطات نبوده و نیست، قدر مسلم انطباق آن‌ها با محیط‌های الکترونیک و مجازی را ضروری می‌گرداند؛ چون فضای سایبر با توجه به مقتضای خود، رفتارها و اشخاص جدید را وارد قلمرو حقوق کرده و در کنار سایر مناسبات حقوقی، مسائل گوناگون حقوقی فعالان پرشمار این عرصه را مطرح می‌کند؛ از جمله شایع‌ترین و مهم‌ترین مسائل حقوقی فضای سایبر؛ مسئولیت مدنی دولت در فضای سایبر است که در مقاله حاضر از زوایای مختلف مورد واکاوی و ارزیابی واقع شد.

امروزه، چه دولت را در کنار ملت و یا چه در مقابل آنان بدانیم، با توسعه حوزه عمل دولت‌ها شاهد گستردگی تصمیمات و اقدامات آنها هستیم. این تصمیمات و اقدامات می‌تواند در عین راه‌گشایی در انجام مأموریت‌های دولت‌ها و فراهم کردن زمینه‌های پیشرفت و تعالی کشور و آحاد ملت، موجب ورود زیان و خسارت برای برخی از مردم شود و به مساله مسئولیت مدنی دولت منجر گردد.

کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات جهت ارائه خدمات دولتی به جامعه که از آن تحت عنوان «دولت الکترونیک» نام می‌برند، ابتکار عمل جدیدی است که قصد دارد، تا زمینه دسترسی آسان‌تر و مطلوب‌تر شهروندان به خدمات عمومی را از طریق رسانه‌های الکترونیک فراهم کند و روابط مدیریت دولتی و شهروندان را به گونه‌ای جدید پی‌ریزی نماید. از جمله راهکارهای ارتقاء کارایی دولت، پیاده‌سازی و استقرار سیستم‌هایی است که به طور خلاصه با عنوان دولت الکترونیک شناخته می‌شوند. در واقع دولت الکترونیک یکی از پدیده‌های مهم حاصل از بکارگیری فن آوری اطلاعات و ارتباطات است که تحولات عمیقی را در شیوه زندگی بشر امروزی ایجاد کرده است.

در جریان این ارتباطات سایبری ممکن است افعال زیان بار نظیر نقض قانون و نقض اصول اخلاق سایبری صورت گیرد که موجب طرح ادعاهایی از طرف زیان دیدگان علیه واسطه‌های مزبور گردد؛ عبارت دیگر در راستای ارایه خدمات الکترونیک دولت در فضای سایبر ممکن است در نتیجه تقصیر یا خطای دولت و مستخدمین دولتی، زبانی به اشخاص وارد آید که در صورت ایراد خسارت، موضوع مسئولیت مدنی دولت در فضای سایبر، تحقق می‌یابد؛ مسئولیت مدنی دولت در فضای سایبر از این جهت اهمیت دارد که، ماهیت فضای سایبر با دنیای واقعی متفاوت است و مختصات و اقتضائات خاص خود را دارد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

18. Stone H. (2007). Human right and internet. Translated by; Zamani M, Bahramloo H. Tehran: Khorsandi Publication. (In Persian).
19. Tabatabaee M. (2018). Administrative law. 4th ed. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books. (In Persian).
20. Yazdanian A. (2016). General rules of civil liability with comparative study of French law. 1st ed. Vol. 4. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian).
21. Shackelford SJ. (2008). from nuclear war to net war: analogizing cyber attacks in international law. Berkeley Journal of International Law; 27.
22. Alsan M. (2016). E-commerce law. 3rd ed. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books. (In Persian).
23. Rahmani H. (2014). Civil liability in e-commerce law. [MA thesis] Tehran: Payam-e-noor University. (In Persian).
24. Ghamami M. (1997). Government civil liability. Tehran: Dadgostar Publication. (In Persian).
25. Malakuti R. (2016). Civil liability in syberspace. 1st ed. Tehran: Majd Publication. (In Persian).
26. Carey P. (1999). Media law. 2nd ed. London: Sweet&Maxwell.
- information technology revolution: some considerations and strategies. Journal of Iranian Institute of Information Science and Technology; 27(2). (In Persian).
12. Saghatoleslami AR. (2011). Investigating the nature of ethical issues in cyberspace research. Ethics in Science and Technology; 6(3): 48-61. (In Persian).
13. Zarifian Yeganeh MH. (2010). Ethics in communication with emphasis on the normative system of communication. Journal of Ethics Research; 7-8. (In Persian).
14. Koosha GH. (2012). Religious ethics and cyber interaction. Journal of Moral Knowledge; 3(2). (In Persian).
15. Khanmohammad K, Shamli AA. (2016). Islamic privacy privacy on cyber social networks: (emphasized on WhatsApp). Journal of Islam and Social Studies; 4(2). (In Persian).
16. Vahezi M. (2015). Criteria for the practice of governance in Iranian administrative law. Journal of Legal Studies; 7(2). (In Persian).
17. Mansoorabadi A. (2017). General criminal law 2. 1st ed. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian).